



خاطرات زنده جانباз محمد حسين عاقتبي از روزهای خوب زندگی اش

## قرار شد خودم را به گنگی بزنم...

**مهین رضانی** –محمد حسين عاقتبي فرزنديك خانواده‌مذهبی دريكي ازروستاهای کاشمر است که سال های اول زندگی در روستای می ماند وبعد به کاشمر می رود . سال ۵۴ و ارد حوزه علمیه می شود . دوسال در حوزه درس می خواند و بعد از انقلاب وارد جهاد سازندگی وسپس در سال ۶۰ وارد سپاه می شود.او در دوران دفاع مقدس در سوسنگرد،در حوزه اطلاعات و عملیات مشغول به خدمت می شود.به گفته‌وی، در ابتدای جنگ نیروهای نظامی سازو کار دده بندی های نظامی امروزه را نداشتند . همه نیروها از جان و دل خدمت می کردند و فرقی بین نیروهای بسیجی ، سپاه و ارتش و... نبود. محمد حسين بعد از عملیات بیت المقدس در گردان شهيد بروسی از ناحیه دست و کتف مجروح می شود. حضور او تا پایان جنگ ادامه پيئه می کند و در سال ۷۸ باز نشسته می شود. رزمنده دیروز در کسوت کشاورز پر تلاش امروز حالا هم خدمت

به خانواده شهدا و جانبازان را وظیفه خود می داند. «جامعة‌العباس مجموعه ای خودجوش است که به گفته او به هیچ وابستگی ندارد و برای گره گشایی از مشکلات این قشر از جامعه فعالیت می کند. به عقیده‌وی حداقل کاری که امثال او می توانند

انجام‌دهند این است که در دل های این خانواده ها را بشنوند و تاجایی که امکان دارد کمک کنند. در مدت حضورش با تعداد زیادی از شهدا هم‌زم بوده است، از جمله شهيد بروسی که اولین آشنایی با «واستا عبدالحسين» مربوط به عملیات

بیت المقدس است. محمد حسين بار ها و بار ها مجروح شده اما همچنان تا پایان جنگ در جبهه حضور داشته است. او جانباز ۴۰ در صدی است که در صد جانبازی برایش معنا ندارد و دوباره با حضور در صحنه تولید به رفع مشکلات کشاورزان کمک می کند و معتقد است امروز هم برای غلبه بر مشکلات جز تلاش ، از خود گذشتگی، مدیریت صحیح و صمیمیت راهی نداریم .وی از خاطراتش برای آزادی سرشهر می گوید: «از منطقه هویزه که قرار بود عملیات فتح خرمشهر آغاز شود، آمده سازی برای عملیات حدود یک ماه طول کشید.



#### خاطره شيرين ۲ بسیجی

در اوایل جنگ، ما در سوسنگرد بودیم و گروه‌های مختلفی از اقصی نقاط کشور آمده بودند و همه نیروها توسط شهيد چمران سامان دهی شده بودند. عراقی ها بین سوسنگرد و دهلاویه مستقر بودند و ما منطقه غرب آن ها را گرفته بودیم. در آن منطقه قرارگاه زده بودند و تانک های شان را هم آورده بودند اما چون هنوز امید پیشروی داشتند دیوار و سیم خاردار نکشیده بودند . ما می خواستیم روی جاده تردد کنیم و عراقی ها ما را می زدند بنابراین برای وار تش برای پشتیبانی



عاقبتبي - تير اول سست راست

ما آمد . به من و شخص ديگري به نام عبد الحميد اهل سوسنگرد وظیفه شناسایی قرارگاه امکانات نظامی عراقی ها سپرده شد. بعثی ها پدر شهيد عبد الحميد را به شهادت رسانده و به برخی از اعضای خانواده او هم جساتر کرده بودند که متأسفانه بعد از آن شرایط خوبی برای آن ها پيش نیايد و اتفاقات ناگواری رخ داد.

#### ناخودگاه به آن ها سلام کردم

ما دو نفر برای شناسایی تانک ها رفتیم. از کانال های خشک شده گذشتیم و داخل قرارگاه شدیم . با زبوستم شهيد حميد قرار گذاشتیم من هيچ نگویم و اگر اسير شدم خودم را به لالی بزنم و او عربی صحبت کند. گشتی های عراقی ما راديدند و من ناخودگاه به آن ها سلام کردم . آن ها که تعجب کرده بودند، به سمت ما تير اندازی کردند، ما هم بزریک تانک مخفی شدیم سپس آماده باش دادند و آژير به صدا در آمد تا ما را پيدا کنند. ما زير پک تانک مخفی شده بوديم و بعد از ساعت ها که سرو صدا کم شد ، نزديک صبح ، دوستم گفت: «بند شو برويم.»

#### از زیر تانک بیرون آمديم

از زیر تانک که بیرون آمديم، حميد به من گفت: «حسين کلاه و سر نيزه ات را به من بده.» کلاه خاکی با آرم...! اکبر و سر نيزه ما را به او دادم. سر نيزه را به بغل تانک متصل کرد و کلاه را روی آن گذاشت . به عقب برگشتيم و از ما سوال شد چه کردید ؟ گفتيم: «کاری نکرديم.» از بس خسته بوديم، خوابيديم و ساعت ۱۰ صبح ما را بيدار کردند و گفتند شما ديده چپ کار کردید؟ عراقی



۴ روایت درباره عشق و عروج شهيد مدافع حرم حسين فدایی

## موشک نصف خودروی ما را با خود برد



شده و داعشی ها تصميم گرفته بودند آن ها را از بين ببرند. در ميانه راه خودروی آن ها را با دو موشک و از دو نقطه متفاوت هدف قرار دادند، فاصله اصابت دو موشک چند دقيقه بيشتر طول نکشیده بود؛ موشک ها حرارتی، هوشمند و خیلی دقيق بودند. حسين بعدها به ما گفت: «در حال طی مسير به سمت يکی از مناطق عملياتی بوديم که ناگهان موشک اول به سمت راست خودرو اصابت کرد و حجت که سمت راست نشسته بود در جا شهيد شد. اما من در سمت چپ خودرو بودم و هنوز موشک دوم شليک نشده بود. هنوز زنده بودم اما داخل خودرو گير افتاده بودم و نمی توانستم خارج شوم؛ زير اثر موج انفجار در ها به صورت

اومات قفل شده بود. با اسلحه شيشه را شکنستم خودم را هر طوری که بود به بیرون پرتاب کردم. خواستم حجت را از خودرو بيرون بکشم که با اصابت موشک دوم خودرو به کلی از هم متلاشی شد. پس از آن بيهوش شدم و ديگر چيزی نفهميدم. بعدها از زبان هم‌زمانم شنيدم که موشک نصف خودروی ما را با خود برده بود.»

#### روايت برادر: گفت نمی آيم

از اولين روز اعزام حسين هيچ کس هيچ چيزی نمی دانست. خانواده مادر تهران زندگی می کردند و حسين به همراه خانواده اش در مشهد بود. قرار گذاشته بوديم برای او برادر کوچک هم‌راه عروسی بگيريم. همه چيز آماده بود و تاريخ عروسی را هم مشخص کرده بوديم. با حسين تماس گرفتيم و به او گفتيم: «برای عروسی برادرمان به تهران بيايد اما مخالفت کرد. بانا را حتی به او گفتيم: «توبزرگتر ماهستی. بايد حتما باشی. از تو توقع داريم در چنين موقعی در کنار خانواده ات باشی» اما هر چقدر اصرار می کردم زير بار نمی رفت و می گفت: «بليت گرفته ام و بايد بروم» گفتيم: «کجا؟» گفت: «می خواهم برای کار به جزيره کيش بروم» خلاصه حسين به آن مراسم نيامد و ما بعدها فهميديم به سوريه رفته است.

#### روايت هم‌زم: پرواز در نيل الزهرا

هم‌زم شهيد نيز از نحوه شهادت حسين می گويد: روز شهادت او وضعت منطقه معمولی بود و در گيري های آن چنانی رخ نداده بود. حسين در منطقه حلب و در نزديکی های نيل الزهرا نيز و ها را در تقاعات مستقر کرده بود و با اين استقرار ثبات نسبی در منطقه حکمفرما شده بود. هنوز چند لحظه ای از استقرار نيز و ها نگذشته بود که از مسافتی دور صدای تير اندازی به گوش رسيد و در همان موقعيت چند گلوله به سينه و دست و پای حسين اصابت کرد. منطقه صعب العبور بود و تا حسين را به بيمارستان رساندند شهيد شده بود. او به آرزويش رسيده بود و حال پيش مولايش بود...

براداشتی از کتاب ذوالفقار فاطمين/ نوشته سيد سعيد موسوی

به مناسبت هفتادمين سال‌روز انتشار روزنامه‌خراسان

هزينه اشتراک یکساله: ۲۸۸/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۱۷۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک شش ماهه: ۱۴۴/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۹۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک یکساله: ۲۸۸/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۱۷۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک شش ماهه: ۱۴۴/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۹۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک یکساله: ۲۸۸/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۱۷۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک شش ماهه: ۱۴۴/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۹۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک یکساله: ۲۸۸/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۱۷۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک شش ماهه: ۱۴۴/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۹۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک یکساله: ۲۸۸/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۱۷۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک شش ماهه: ۱۴۴/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۹۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک یکساله: ۲۸۸/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۱۷۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک شش ماهه: ۱۴۴/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۹۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک یکساله: ۲۸۸/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۱۷۰/۰۰۰ تومان

هزينه اشتراک شش ماهه: ۱۴۴/۰۰۰ تومان

با تخفيف ويژه: ۹۰/۰۰۰ تومان